اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره سوم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانونگذاری استانی

۱۸ فروردین ۱۴۰۵
۱۸شوال ۱۴۴۷
۷آوریل ۲۰۲۶
شماره‌سوم

@HOKMRAH

تاب‌آوری و کنش‌گری زنان در بستر جنگ تحمیلی سوم

خانم دکتر کارخانه ، مسئول نظارت و ارزیابی عملکرد اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استانی

در رویکردهای سنتی، زنان عمدتا به‌عنوان قربانیان جنگ تلقی می‌شدند؛ اما مطالعات معاصر، بر ظرفیت‌های مقاومت و کنش‌گری فعال زنان تأکید دارند. این یادداشت، تاب‌آوری و کنش‌گری زنان را در بسترهای مختلف جنگی تحلیل کرده و نمونه ایران را نیز بررسی می‌کند.

جنگ، نه تنها ساختارهای سیاسی و نظامی را متأثر می‌سازد، بلکه بازتولیدکننده روابط قدرت جنسیتی نیز هست. تاریخ‌نگاری نظامی سنتی، مردان را به‌عنوان فاعلان اصلی جنگ و زنان را به‌عنوان غیرنظامیان آسیب‌پذیر به حاشیه رانده است.

از دهه ۱۹۹۰م. به بعد، مطالعات جنسیتی و جنگ، دستخوش تحول بنیادینی شده است. پرسش اصلی این است که زنان چگونه در بستر جنگ، تاب‌آوری و کنش‌گری خود را بروز می‌دهند؟

چارچوب نظری

تاب‌آوری

تاب‌آوری در رویکرد فمنیستی به‌مثابه فرآیندی اجتماعی و سیاسی درک می‌شود، نه صرفا ویژگی فردی. زنان از طریق شبکه‌های حمایت اجتماعی، حافظه جمعی و هویت مقاومتی، تاب‌آوری آوری خود را بازتولید می کنند.

کنش‌گری

کنش‌گری به‌عنوان (توانایی عمل در محدودیت‌ها) تعریف می‌شود. این مفهوم از روایت رمانتیک (انتخاب ازاد) فاصله گرفته و در بستر ساختارهای قدرت، تحلیل می گردد.

رابطه تاب‌آوری و کنش‌گری

این دوتا مفهوم در رابطه‌ای دیالکتیکی با یکدیگرند: تاب‌آوری امکان کنش‌گری را فراهم می‌کند و کنش‌گری، به نوبه خود تاب‌آوری را تقویت می‌بخشد.

مکانیسم‌های تاب‌آوری و کنش‌گری زنان

مقاومت روزمره

زنان از طریق روش‌های غیررسمی چون حفظ فرهنگ و زبان، حفاظت از منابع اقتصادی و مقابله با خشونت جنسیتی، مقاومت می کنند.

شبکه‌های اجتماعی

زنان با ایجاد شبکه‌های غیررسمی کمک‌رسانی، به‌عنوان «پل‌های اجتماعی» عمل کرده و بقای خانواده و جامعه را تضمین می کنند.

مشارکت در صلح‌سازی

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل بر مشارکت زنان در صلح‌سازی تأکید دارد، هرند این مشارکت اغلب نمادین باقی می‌ماند.

مطالعات موردی

زنان فلسطینی

زنان فلسطینی از طریق حافظه جمعی، نهادهای اجتماعی غیررسمی و هویت سیاسی، تاب‌آوری مقاومتی خود را حفظ می کنند.

زنان کرد

تجربه زنان کرد در جنگ علیه تروریسم داعش، نمونه‌ای از کنش‌گری نظامی و بازتعریف روابط جنسیتی است.

زنان ایرانی در بستر تنش با رژیم صهیونیستی.

بستر تاریخی

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس بر مشارکت زنان در دفاع از کشور تأکید داشته است. در طول جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، زنان ایرانی نقش‌های کلیدی در پشتیبانی لجستیکی، پرستاری، تولید و حفظ روحیه عمومی ایفا کردند.

تاب‌آوری در شرایط کنونی

در بستر تنش‌های فعلی میان ایران و رژیم صهیونیستی و امریکای جهانخوار، زنان ایرانی تاب‌آوری خود را از طریق روش‌های متعددی نشان می‌دهند: مشارکت در نهادهای دفاعی: بسیج زنان در سازمان بسیج و نقش‌آفرینی در طرح‌های دفاعی.

پشتیبانی روانی: حضور در کنار خانواده‌های شهدا و مجروحان و تقویت روحیه مقاومت

مقاومت اقتصادی: تلاش برای حفظ تولید و اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم.

هویت‌سازی فرهنگی: تأکید بر وحدت ملی و مقاومت در برابر هجمه‌های فرهنگی

کنش‌گری زنان

: کنش‌گری زنان ایرانی در این بستر شامل

شرکت فعال در راهپیمایی‌های ضدصهیونیستی

مشارکت در کمپین‌های آگاهی‌بخشی درباره ماهیت رژیم صهیونیستی

نقش‌آفرینی در رسانه‌ها و فضای مجازی برای دفاع از مواضع جمهوری اسلامی

حضور در عرصه‌های علمی و فناوری برای تقویت توان دفاعی کشور

تحلیل

در رویکرد کشورمان، دفاع از ماهیت و تمامیت ارضی، امری همگانی تلقی می‌شود و زنان در چارچوب ارزش‌های اسلامی-ایرانی، نقش‌های متنوعی ایفا می کنند. این رویکرد با روایت‌های غربی که زنان را صرفا قربانی جنگ معرفی می کنند، متفاوت است.

نتیجه‌گیری

تاب‌آوری و کنش‌گری زنان در بستر جنگ پدیده‌هایی چندبعدی و درهم‌تنیده‌اند. زنان از طریق مکانیسم‌های متنوع روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی، نه تنها بقا می‌یابند، بلکه ساختارهای اجتماعی را نیز متأثر می‌سازند. در بستر ایران، زنان با تکیه بر هویت اسلامی-ایرانی و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، نقش‌های مؤثری در دفاع از کشور ایفا می کنند.

خانم کاملی
معاونت رسانه اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

زنان و امنیت انسانی در روزهای جنگ

در ادبیات معاصر امنیت، به‌ویژه پس از طرح مفهوم «امنیت انسانی» در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه در سال ۱۹۹۴، امنیت دیگر صرفاً (UNDP) ملل متحد به معنای حفاظت از مرزهای دولت‌ها در برابر تهدیدهای نظامی تلقی نمی‌شود، بلکه به حفاظت از زندگی، کرامت انسانی و ثبات اجتماعی شهروندان نیز گسترش یافته است. جنگ تحمیلی ایران و اسراییل و آمریکا نشان داده‌اند که پیامدهای درگیری‌های مسلحانه تنها به میدان‌های نبرد محدود نمی‌شود، بلکه ساختارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی زندگی روزمره مردم را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، زنان از یک سو در شمار گروه‌های آسیب‌پذیر در شرایط جنگ قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، در عمل به یکی از مهم‌ترین کنشگران حفظ انسجام اجتماعی و تداوم زندگی جمعی در شرایط بحران تبدیل می‌شوند.

مطالعات متعدد در حوزه جامعه‌شناسی بحران و مدیریت در روزهای جنگی نشان می‌دهد که در شرایطی که زیرساخت‌های حیاتی مانند خدمات درمانی، شبکه‌های انرژی، حمل‌ونقل و آموزش با اختلال مواجه می‌شوند، بخش مهمی از سازوکارهای حمایت اجتماعی در سطح محلی و به صورت غیررسمی شکل می‌گیرد. در بسیاری از این موارد، زنان نقش محوری در سازمان‌دهی شبکه‌های همیاری اجتماعی ایفا می‌کنند. این شبکه‌ها که اغلب بر پایه اعتماد اجتماعی و روابط محله‌ای شکل می‌گیرند، شامل مراقبت از کودکان و سالمندان، تأمین نیازهای اولیه خانواده‌های آسیب‌دیده، سازمان‌دهی کمک‌های مردمی و ایجاد فضاهای همبستگی اجتماعی است. چنین کنش‌هایی علاوه بر کمک به تداوم زندگی روزمره در شرایط ناامن، مانع از گسترش اضطراب جمعی و فروپاشی پیوندهای اجتماعی می‌شود.

در ادبیات علمی، این ظرفیت‌ها در چارچوب مفهوم «تاب‌آوری اجتماعی» تحلیل می‌شود؛ مفهومی که به توانایی جوامع برای سازگاری، بازسازی و ادامه حیات در مواجهه با بحران‌های شدید و جنگی اشاره دارد. سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل و شبکه‌های ارتباطی میان اعضای جامعه از مهم‌ترین مؤلفه‌های این تاب‌آوری محسوب می‌شوند. تجربه‌های مختلف به خصوص در این روزهایی درگیر جنگ تحمیلی، زنان به دلیل نقش اجتماعی خود در خانواده و جامعه محلی، در حفظ این شبکه‌های حمایتی و تقویت سرمایه اجتماعی نقشی تعیین کننده ایفا می کنند. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران حوزه امنیت انسانی معتقدند که تحلیل پویایی‌های اجتماعی در شرایط جنگ بدون توجه به نقش زنان در شبکه‌های محلی همبستگی اجتماعی، تصویری ناقص از واقعیت ارائه می‌دهد.

اهمیت این مسئله در سطح سیاست‌گذاری بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۳۲۵ درباره «زنان، صلح و امنیت» بر ضرورت توجه به نقش زنان نه‌تنها به عنوان قربانیان جنگ، بلکه به عنوان بازیگران فعال در مدیریت بحران، بازسازی اجتماعی و تقویت صلح پایدار تأکید کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی زنان در شرایط بحران صرفاً یک پدیده اجتماعی نیست، بلکه بخشی از راهبردهای کلان برای حفظ امنیت انسانی و بازسازی جوامع پس از بحران محسوب می‌شود.

در نهایت، تجربه‌های مختلف به خصوص در شرایط کنونی که جامعه با پیامدهای جنگ تحمیلی مواجه است که اگرچه جنگ می‌تواند زیرساخت‌های فیزیکی و اقتصادی یک جامعه را تخریب کند، اما تداوم حیات اجتماعی تا حد زیادی به ظرفیت‌های درونی جامعه برای حفظ همبستگی و اعتماد متقابل وابسته است. در این میان، نقش زنان در سازمان‌دهی شبکه‌های همیاری، حمایت از خانواده‌ها و تقویت پیوندهای اجتماعی، یکی از مهم‌ترین منابع تاب‌آوری اجتماعی به شمار می‌آید. از این منظر، توجه به این ظرفیت‌ها در سیاست‌های مدیریت بحران و برنامه‌های تقویت امنیت انسانی می‌تواند به افزایش توان جوامع برای عبور از پیامدهای جنگ و بازسازی اجتماعی در دوره پس از بحران کمک کند.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره سوم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانونگذاری استانی

۱۸ فروردین ۱۴۰۵
۱۸ شوال ۱۴۴۷
۷ آوریل ۲۰۲۶
شماره سوم

@HOKMRAH

نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه در جنگ تحمیلی علیه ایران

خانم دکتر اکبری رئیس کارگروه زن و خانواده اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استانی

تاریخ بشر گواه آن است که هر بار قدرت‌های سلطه‌گر از پاسخگویی در برابر جنایات خود گریخته‌اند، این گریز نه از ضعف حقوق، بلکه از ضعف اراده جامعه بین‌المللی در اجرای آن بوده است. آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد، فصل تازه‌ای از همین روایت تلخ است. روایتی که در آن، ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی با نقض سیستماتیک و آگاهانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی، جنگی را علیه ملت ایران به راه انداخته که هدف اصلی آن نه ارتش، بلکه جامعه مدنی، زیرساخت‌های حیاتی و به ویژه زنان و کودکان است. این نوشتار می کوشد با تکیه بر اسناد حقوقی معتبر بین‌المللی، ابعاد این جنایت را تحلیل کند و نشان دهد که چرا ملت ایران، با وجود تمام این فشارها، در مسیر پیروزی قرار دارد.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر دو اصل بنیادین استوار است که هر دو در این جنگ به طور آشکار نقض شده‌اند. اصل تمایز که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ تدوین شده، اطراف نزاع را ملزم می کند که در تمامی اوقات میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. اصل تناسب که در ماده ۵۱ همین پروتکل آمده، حملاتی را که تلفات غیرنظامی آنها نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار مفرط باشد، ممنوع می کند. حملات به بیمارستان‌ها، مدارس، زایشگاه‌ها و مراکز دارویی ایران، نقض همزمان هر دو اصل است؛ چرا که این مراکز نه تنها اهداف غیرنظامی محض هستند، بلکه از بالاترین سطح حمایت حقوقی برخوردارند.

حمله به بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها، شاید فاجعه‌بارترین وجه این جنگ باشد. ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ با صراحتی که جای هیچ تأویلی را باقی نمی گذارد، مقرر می‌دارد که بیمارستان‌های غیرنظامی نباید هرگز مورد حمله قرار گیرند. واژه هرگز در این ماده، یک استثنای مطلق است که حتی ادعای استفاده نظامی از این مراکز نیز نمی‌تواند به سادگی آن را کنار بزند. ماده ۱۹ همین کنوانسیون تصریح می کند که حتی اگر چنین ادعایی مطرح شود، حمله تنها پس از اخطار رسمی، تعیین مهلت معقول و عدم رعایت آن مجاز است. هیچ یک از این شرایط در حملات به بیمارستان‌های ایرانی رعایت نشده است.

زایشگاه‌ها جایگاهی فراتر از یک مرکز درمانی دارند؛ آنها آستانه ورود حیات به جهان هستند. حمله به این مراکز، نقض همزمان چندین سند بین‌المللی است. ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو که حمایت ویژه از مادران و نوزادان را تضمین می کند، ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که حق ذاتی کودک بر حیات را به رسمیت می‌شناسد، و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق برخورداری از بالاترین استاندارد سلامت را تضمین کرده، همه و همه در این حملات نقض شده‌اند. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در تفسیر عمومی شماره ۲۴ خود، دسترسی به خدمات بهداشت باروری را حقی غیرقابل تعلیق دانسته که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را محدود کرد. حمله به زایشگاه‌ها، نقض این حق در بدترین شکل ممکن است.

شهادت دانش‌آموزان دختر در حملات به مدارس، جنایتی است که ابعاد آن از یک جنایت جنگی ساده فراتر می‌رود. قطعنامه ۱۹۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که در سال ۲۰۱۲ تصویب شد، حمله به مدارس را به عنوان یکی از شش نقض فاحش حقوق کودکان در مناطق جنگی فهرست کرده است. این قطعنامه از کشورها می خواهد که مرتکبان این جنایات را در فهرست شرم سازمان ملل قرار دهند. اما فراتر از این، حمله عامدانه به مدارس دخترانه، یک جنایت جنسیتی است که هدف آن محروم کردن نسل آینده زنان از آموزش و حذف آنها از عرصه اجتماعی است. این اقدام، نقض ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک که حق آموزش را برای همه کودکان بدون تبعیض به رسمیت شناخته است.

حمله به انستیتو پاستور ایران، که بیش از یک قرن است به عنوان یکی از معتبرترین مراکز تولید واکسن و تحقیقات بیولوژیک در منطقه فعالیت می کند، جنایتی است که پیامدهای آن نسل‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این مرکز، تولید کننده واکسن‌های حیاتی مانند واکسن سرخک، سرخجه، اوریون، فلج اطفال و سل است که میلیون‌ها کودک ایرانی برای بقا به آنها وابسته‌اند. ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول، حمله به اشیاء ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی را به طور مطلق ممنوع کرده است. واکسن‌های کودکان، بی‌تردید از مصادیق بارز این اشیاء هستند. علاوه بر این، ماده ۷ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، اقداماتی را که به طور عمدی شرایط زندگی را به گونه‌ای ایجاد می کنند که منجر به نابودی بخشی از جمعیت شود، جنایت علیه بشریت می‌داند. قطع تولید واکسن‌های کودکان که می‌تواند به شیوع بیماری‌های کشنده منجر شود، مصداق روشن این تعریف است.

حمله به شرکت‌های دارویی ایران، ابعادی گسترده‌تر از یک هدف‌گیری نظامی دارد. ایران یکی از معدود کشورهای در حال توسعه است که توانسته صنعت داروسازی بومی قوی ایجاد کند و بیش از ۹۷ در صد از داروهای مورد نیاز خود را در داخل تولید کند. این دستاورد، که حاصل دهه‌ها سرمایه‌گذاری علمی و تلاش متخصصان ایرانی از جمله زنان دانشمند است، هدف مستقیم این حملات قرار گرفته است. ماده ۵۶ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت متجاوز را ملزم می کند که تأسیسات بهداشت عمومی را حفظ کند. حمله به شرکت‌های دارویی، نقض این تکلیف در بدترین شکل ممکن است. سازمان بهداشت جهانی در اسناد متعدد خود، دسترسی به داروهای اساسی را بخشی از حق سلامت دانسته که در هیچ شرایطی قابل تعلیق نیست.

در این میان، زنان ایرانی در تقاطع دو نقش متضاد قرار دارند؛ هم قربانی این جنایات و هم مقاوم‌ترین نیروی مقابله با آنها. این تناقض ظاهری در واقع عمیق‌ترین واقعیت این جنگ است. زنانی که در بیمارستان‌های بمباران‌شده به درمان مجروحان ادامه می‌دهند، معلمانی که در مدارس آسیب‌دیده به تدریس ادامه می‌دهند، دانشمندانی که در آزمایشگاه‌های تخریب‌شده به تحقیق ادامه می‌دهند و مادرانی که در نبود زایشگاه‌های ایمن فرزندان خود را به دنیا می‌آورند، همه و همه نشان‌دهنده عمقی از مقاومت هستند که هیچ سلاحی قادر به درهم شکستن آن نیست.

مقام معظم رهبری در بیانات خود بارها بر این نکته تاکید فرموده‌اند که زن مسلمان ایرانی الگویی است که غرب از درک آن عاجز است. ایشان فرموده‌اند که غرب زن را در چارچوب فردگرایی و مصرف‌گرایی تعریف می کند در حالی که زن مسلمان ایرانی هویت خود را در پیوند با خانواده، جامعه و آرمان‌های متعالی تعریف می کند. این هویت که ریشه در فرهنگ اسلامی و تجربه تاریخی مقاومت دارد، منبع قدرتی است که دشمن در محاسبات خود از آن غافل مانده است. زنی که هویتش را در پیوند با ارزش‌های متعالی تعریف می کند در برابر فشار و تهدید نه تنها نمی‌شکند، بلکه استوارتر می‌شود.

پیروزی ایران در این جنگ، پیروزی حقوق بر زور، اخلاق بر سلطه و اراده ملی بر محاسبات استعماری است. ملتی که زنانش در بیمارستان‌های

بمباران‌شده جان می‌دهند اما تسلیم نمی‌شوند، در مدارس ویران‌شده درس می‌دهند اما دست از آموزش نمی کشند، و در آزمایشگاه‌های تخریب‌شده به تحقیق ادامه می‌دهند اما از علم دست برنمی‌دارند، ملتی است که شکست در برابرش معنا ندارد. این پیروزی، نه هدیه‌ای از آسمان، بلکه حاصل اراده‌ای است که در تاریخ این سرزمین ریشه دارد و در خون شهیدانش جاری است.

تاریخ به ما آموخته که هر متجاوزی که بر مشروعیت حقوقی و اخلاقی خود را از دست داده، سرانجام شکست خورده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی با نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نه تنها مشروعیت حقوقی، بلکه مشروعیت اخلاقی خود را در نظر افکار عمومی جهانی از دست داده‌اند. جنایات علیه زنان و کودکان، تخریب بیمارستان‌ها و مدارس، و حمله به زیرساخت‌های حیاتی، چهره واقعی این قدرت‌ها را برای جهانیان آشکار کرده است. این رسوایی اخلاقی، زخمی است که هیچ پیروزی نظامی نمی‌تواند آن را التیام بخشد.

ملت ایران با تکیه بر سه رکن بنیادین به پیروزی نهایی دست خواهد یافت. نخست، مشروعیت حقوقی که از نقض آشکار حقوق بین‌الملل توسط متجاوزان نشأت می گیرد. دوم، همبستگی ملی که در آن زنان و مردان، پیر و جوان، در کنار هم ایستاده‌اند. سوم، ایمان به آرمان‌های متعالی که از فرهنگ اسلامی و تجربه تاریخی مقاومت سرچشمه می گیرد. این سه رکن، بنیان پیروزی‌ای است که نه در میدان نبرد، بلکه در دل جامعه شکل گرفته است.

پایان این جنگ، آغاز فصل تازه‌ای در تاریخ خواهد بود. فصلی که در آن، حقوق بشردوستانه بین‌المللی نه به عنوان ابزاری برای توجیه سلطه، بلکه به عنوان سپری برای حمایت از مظلومان عمل خواهد کرد. فصلی که در آن، زنان نه به عنوان قربانیان بی‌صدا، بلکه به عنوان کنشگران اصلی تغییر شناخته خواهند شد. و فصلی که در آن، ملت‌های آزاده جهان خواهند دید که پیروزی واقعی نه در گرو برتری نظامی، بلکه در گرو اراده، ایمان و ایستادگی در برابر ظلم است.

ایران با این پیروزی، نه تنها خود را از یوغ تجاوز رها خواهد کرد، بلکه الگویی برای تمامی ملت‌های مظلوم جهان خواهد بود که عدالت سرانجام پیروز می‌شود.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره سوم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانونگذاری استانی

۱۸ فروردین ۱۴۰۵
۱۸شوال ۱۴۴۷
۷آوریل ۲۰۲۶
شماره‌سوم

@HOKMRAH

زنان معماران امنیت نرم جامعه / زنان انقلابی پرچم داران هویت ایرانی–اسلامی

دکتر الفی استادیار دانشگاه و عضو کارگروه سیاسی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان آذربایجان شرقی

استادیار دانشگاه و عضو کارگروه سیاسی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان آذربایجان شرقی در گفت‌وگویی با ایرنا، ضمن پرداخت علمی و تجربی به ویژگی‌های انسان انقلابی اعم مردان و زنان، پیرامون نقش آفرینی، تعهدپذیری، عمل گرایی، قدرت عمل و آزادی بانوان تراز انقلاب اسلامی به ویژه در جنگ رمضان تحمیلی به ملت ایران، به بحث و تبادل نظر پرداخته است.

دکتر محمدرضا الفی معتقد است، امامین انقلاب با اتکاء به مبانی انسان‌شناسی اسلام به تربیت انسانهایی همچون شهید باکری، سلیمانی، صیاد شیرازی، طهرانی مقدم، سلامی، حاجی زاده، شهریاری، فخری زاده ها پرداختند که با اتکاء به جهان‌بینی توحیدی، نه از مرگ هراسی داشته و نه قدرت‌های استکباری با ابزارهای مادی می توانند وادار به تسلیمش کنند.

وی می گوید: نگاهی به ویژگی‌های این انسان در جهان معاصر و در بحبوبه جنگ‌های مختلف تحمیلی، فتنه‌ها و اغتشاشات در صحنه جنگ و عمل، آگاهانه و با اراده و بر اساس تکلیف و احساس رسالتی که به عنوان یک انسان مومن به توحید و معاد داشته و دارد، در پاسخ به ندای رهبران مومن و شجاع به لبیک‌گویی پرداخته و با شعار "هیهات من الذله" به استقبال مرگ می‌روند؛ این انسان اعم از مرد و زن لذت و اوج بندگی را در شهادت می‌بینید نه در مادیات،

الفی با اشاره به اینکه انسانی که از دل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با هویتی جدید متولد گردید، دارای ویژگی‌هایی همچون مؤمن، خداجو، معتقد، حق‌گرا، حق‌طلب، هدفمند، آرمان‌خواه، عمل‌گرا، مقاوم، شجاع، بی‌باک، نترس و، مطیع است، یادآور می شود: این انسان دارای هویت دینی و ملی با هیچ یک از معیارهای روانشناسی پوزیتیویستی، اومانیستی، عقل‌گرایان، مارکسیستی، لیبرالیستی، سکولاریستی و ده‌ها مکتب سیاسی–اجتماعی دیگر تطبیق نداشته و قابل مقایسه نیست.

وی ادامه می دهد: انسان انقلاب اسلامی نه عملگرای صرف است و نه اندیشه‌ورز محض، بلکه خداجویی است که کوشیده تا «آزادی عقل» و «قدرت عمل» را در زندگی‌اش بیابد و بررسی‌ها نشان می دهد هویت این انسان در عصر حاضر به دلایلی از جمله پیشتازی جهان غرب برای شناخت بیشتر از تفکر و رفتارهای آن برای مقابله در قالب اقدامات و عملیات تحقیقاتی و پیشگیرانه، انحرافی و بی‌هویت‌سازی شخصیت آن به وسیله عملیات جنگ نرم و خودباختگی فکری و فرهنگی برخی افراد در برابر غرب ناشناخته مانده است.

مسوول طرح اساتید و جهاد تبیین دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با بیان اینکه تاکنون در جامعه از نقش مهم و ممتاز زنان در عرصه های مختلف و به خصوص در جریان نقش آفرینی آنها در جنگ اخیر کمتر گفته شده است، از زنان به عنوان فرشتگان زمینی در انقلاب اسلامی یاد کرده و می گوید: زنان این دیار با هنرمندی خلاقانه خود موجب تلطیف روح دیگر انسان‌ها می گردند و این زنان سنگربان و لنگرگاه ایمان، انسانیت، صبر و حوصله، حلم و بردباری، آرامش و آسایش، متانت و وقار، استقامت، مقاومت، ایستادگی، استقلال، مهر و عاطفه، عزت و اقتدار، عفت و ناموس، شرافت و معماران امنیت نرم جامعه‌اند. وی اضافه می کند: این زنان در بحبوبه جنگ و صدای ترسناک و گوش‌خراش موشک ها، پهپاد و بمباران دشمن که در شهرها می‌پیچد با صدای آرامش‌بخش ضربان قلب خود با فرکانس‌های پیدا و پنهان، سکوت را بر گوش اعضاء خانواده می نوازد و در اوج بحران و در دل طوفان‌های بزرگ با ریتم موسیقیایی و زمزمه محبت‌آمیز و عففیانه خاص خود و با استعانت از خدا و توسل به ائمه اطهار(ع)، وحشت را به محبت و نگرانی و دلهره را به امید تبدیل می کنند.

الفی یادآوری کرد: امروز به چشم خود می بینیم این انسان با شرف، وقتی آسمان شهر تیره و تار می‌شود، با زمزمه محبت و تشویق همسر و فرزند پرچم هویت را بر دوش گذاشته و به دلِ خیابان ها می زند و روشنایی کوچه و خیابان را حفظ می کند و این پیام را به جهان مخابره می کند که حضور من و خانواده‌ام نمادی از حضور اجتماعی امت حسینی است و مایه حفظ و استواری، یکپارچگی، صلابت، روحیه انقلابی و استقامت و مقاومت در فضای عمومی کشور بوده و خط بطلانی است بر دموکراسی‌های جعلی و ساختگی بشر در غرب.

وی گفت: آنچه یک ملت را استوار نگه می‌دارد، بانوان زینب‌واری است که شهادت را به آغوش کشانده و شهادت پدر، همسر، فرزندان و برادر را لطف الهی می‌داند و به تعبیری زنان با تبدیل فقدان به انگیزه و معنا، وقتی سوگ و اندوه درب منزلشان را می کوبد، روایت و رجزخوانی‌شان اندوه را به حماسه ای زینب وار برای ادامه دادن راه انقلاب اسلامی بدل می کند.

عضو بسیج اساتید آذربایجان شرقی عملکرد زنان ایرانی در جنگ اخیر را همچون فرشتگان نجات بخش توصیف می کند که وقتی معیشت خانواده تحت فشار است، با تزریق روحیه تاب‌آوری اقتصادی و حساب‌گریِ خردمندانه مانع فروپاشیِ روانی خانواده می‌شود و زمانی که دل جوانان می‌لرزد در راستای تقویت بنیه معنوی و روانی جامعه، ایمان و کلام مادرانه و همسرانه‌شان پشتوانه‌ای می‌شود برای دوباره برخاستن.

الفی ادامه می دهد: وقتی زمزمه‌های تحریف، شک و ناامیدی در زمان جنگ و بحران در جامعه می‌پیچد، زنان حافظان روایت راستینِ روزگار می‌شوند و نمی گذارند حقیقت در میانِ آوار جَنگ گم شود و این انسان تراز انقلاب اسلامی با قدرت نرم خود در خانه‌ها، خیابان‌ها، بیمارستان‌ها، ادارات و در هزاران مکان دیگر، فضا، را برای فرزندان این مرز و بوم امن‌تر و حس‌پذیرتر و انسانی‌تر از آنچه که در ذهن تصور می‌شود، می‌سازد.

وی با بیان اینکه اگر جنگ قدرت ویران کردن دارد، زنان قدرت بازسازی دل‌ها را دارند، اظهار کرد: زنان پرچمدار امروز ایران اسلامی امید را در دل‌ها می‌کارند و مسیر آینده را روشن نگاه می‌دارند و اگر جنگ، اراده‌ها را هدف گرفته، زنان با معنابخشی به مقاومت، اراده جمعی را از نو احیا می کنند.

الفی یادآور شد: انسان تراز انقلاب اسلامی و تربیت شده مکتب خمینی (ره) و رهبر شهید می‌خواهد تجربیاتش راهنمایی برای سایر انسان‌ها باشد و به جهانیان نشان دهد که جهان‌بینی توحیدی و مکتب انسان ساز اسلام چگونه می‌تواند به تحول انسان پرداخته و تأثیرگذار باشد و بر همین مبنا به اثبات این امر بپردازد که چگونه با بریدن از شعارهای فریبنده و به ظاهر دنیای مدرن و بازگشت به اسلام راستین و فرهنگ ائمه و مکتب انسان‌ساز تشیع هویتی دیگر بیابد.

وی ادامه داد: این زن و مرد انقلابی در بسیاری از امور شاید تجربه یک روز کاری نداشته باشد، اما در پای میز مذاکره، صحنه های سیاسی و اجتماعی همانند یک دیپلمات کهنه کار عمل می کند تا سیاستمداران، روانشناسان، نظامیان و استراتژیست‌های دنیای مدرن را مات و مبهوت گذاشته و مدعیان مکاتب مادی با اعتراف به رفتارهای این انسان انقلابی، ناتوانی خود را در تحلیل رفتار آنان اعلام می کنند.